

فصل بازی

● شراره وظیفه‌شناس
● تصویرگر: سیاوش ذوالفقاریان

خوش به حال **کوه!**
توی این هوای سرد، اصلاً سردش نیست.
آفرین به آسمان که برایش یک کلاه برفی
بافته!



خورشید که می‌رود، **شب**
یواشکی می‌آید توی اتاقم.
اما من زود بیرونش می‌کنم. چه طوری؟
خورشید کوچولوی اتاقم را
روشن می‌کنم!

به **آینه** نگاه می‌کنم.
یکی مثل خودم توی آن است.
هر کار که من می‌کنم، او هم می‌کند.
راستی، من آدای او را در می‌آورم،
یا او آدای من را؟

